

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

فرستنده: توماج

۱۰/۱۲/۱۹

شارلاتانیسم احمدی نژاد و آستانه انفجارات اجتماعی

با ژرفتر شدن بحران اقتصادی و تشدید بحران سیاسی و توأم با اینها، حادثه شدن وضعیت وخامت بار اقتصادی و معیشتی توده‌های مردم کارگر و زحمتکش، فروپاشی حکومت اسلامی که اکنون هرج و مرج و آشفتگی و ورشکستگی مالی و اقتصادی بر تاروپود و پیکر پوسیده آن چنگ انداخته است، به عنوان خطری جدی در برابر چشم سران رژیم خود را نمایان ساخته است. فشارهای کمر شکن و روز افزون اقتصادی بر دوش توده‌ها، نارضایتی‌های شدید و تراکم یافته کارگران و زحمتکشان و توده‌های مردم تهیدستی که با شتاب فزاینده به فقر و فلاکت و گرسنگی رانده شده‌اند، جامعه را به آستانه یک انفجار بزرگ اجتماعی نزدیک ساخته است. اجرای کامل سیاست آزاد سازی قیمت‌ها، عواقب و تاثیرات مخرب مستقیم آن بر وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکشان، فشارهای موجود بر گرده آن‌ها را دو چندان ساخته و فلاکت و بدبختی توده مردم را به اوج خود می‌رساند. شرایطی که اقشار پائین و تهیدست جامعه را از تأمین و تهیه مایحتاج اولی و حتا تهیه نان خالی نیز به کلی محروم می‌سازد و کل جامعه را به سمتی می‌برد که هر کارگر و انسان گرسنه‌ای مجبور شود به خاطر تهیه و تأمین یک قرص نان، حتا از جان خود نیز بگذرد! تحمیل یک چنین شرایطی دشوار و وحشتناک، شورش گرسنگان و انفجارهای کوچک و بزرگ اجتماعی را مفروض ساخته است.

رژیم جمهوری اسلامی و سران آن البته مدت‌هاست چنین چشم‌انداز و خطری را احساس کرده‌اند و از همین روست که ارتجاع حاکم، پیوسته به میلیتاریسم بیشتر، به سرکوب و خفقان بیشتر و به تقویت قوه اجرائی و تمرکز بیشتر قدرت در دست این قوه ورئیس آن روی آورده است. سران رژیم و دستگاه‌های حکومتی، هر یک به فراخور مکان و موقعیت و به فراخور عقل و شعور خود، برای نجات رژیم از این مهلکه واقعی و رفع این خطر بزرگ، تلاش می‌کنند و راهکارهای عملی ارائه می‌دهند. رهبر حکومت اسلامی همه را به اطاعت بی چون و چرا از خود می‌خواند، دستگاه قضائی پی در پی حکم اعدام صادر می‌کند و هر روز یک یا چند نفر را حلق آویز می‌کند. از نمازهای جمعه و مجلس نیز پی در پی هشدار داده می‌شود و فرماندهان نظامی و سپاه و بسیج، عریان‌تر از دیگران شمشیر از نیام برمی‌کشند و مردم را به گردن زدن تهدید می‌کنند.

اما سرکوب و تهدید و توسل به قهر و زور و میلیتاریسم بیشتر برای حفظ وضع موجود، همواره یکی از شیوه‌های اعمال ستم بر مردم و یک جنبه از سیاست‌های بورژوازی حاکم در برابر مردم بوده است. شکل دیگر و جنبه دیگر و تکمیلی آن، تحمیق و فریب و دروغ پردازی است. سران حکومت اسلامی در عین آنکه همگی بر اعمال قهر و سرکوب حداکثر تأکید می‌کنند، در همان حال هرگز از عوام فریبی، دروغ بافی و وعده‌های تو خالی دست برنداشته‌اند. این نیز بخش دیگری از سیاست ارتجاع حاکم است که ظاهراً پیشبرد بخش زیادی از این جزء تکمیلی سیاست سرکوب عریان را، احمدی نژاد بر عهده گرفته است.

هر چقدر اوضاع سیاسی و اقتصادی وخیم‌تر و خطر فروپاشی نظام نزدیک‌تر می‌شود، وعده و وعیده‌ها، عبارت پردازی‌ها و دروغ بافی‌های احمدی نژاد نیز بیشتر و پر رنگ‌تر می‌شود. احمدی نژاد که به نظر می‌رسد خود به کلی با خرد اجتماعی بیگانه است و یا بضاعت بسیار اندکی در این زمینه دارد، خرد اجتماعی مردم را دست کم می‌گیرد و گاه آنچنان دروغ‌های شاخدار و وعده‌ها و دعاوی پوچی را بر زبان می‌راند که حتا حامیان و یا اعضای کابینه او هم انگشت به دهان می‌مانند و خود را پنهان می‌کنند که کسی در این مورد چیزی از آنها نپرسد! سرتاسر دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد با دروغ و وعده‌های تو خالی عجین است. سال‌ها و ماه‌های گذشته به کنار اما ایشان در همین دو سه هفته اخیر به چندین قلم عوام فریبی و دروغ پردازی دست زد و ادعاهائی مطرح نمود که ما در اینجا فقط به دو نمونه آن اشاره می‌کنیم.

محمود احمدی نژاد در تاریخ هشتم [قوس] آذر ۸۹ در گفتگو با ایلنا، چنین مدعی شد که در دولت وی اشتغال پایدار ایجاد شده، تولیدات صنعتی و صادرات افزایش یافته و اقتصاد از رشد بالائی برخوردار شده است. احمدی نژاد در همان حال که چپ و راست به مردم اطمینان می‌دهد که اوضاع اقتصادی بسیار خوب است و لازم نیست از اجرای قانون یارانه‌ها نگران باشند، وارد مقوله مناسبات دولت و کارگران می‌شود و در این مورد نیز چنین ادعا می‌کند که "رابطه دولت با کارگران بسیار صمیمی است."

بد اقبالی احمدی نژاد این است که زمانی به قصد عوام فریبی از وضعیت اقتصادی تعریف می‌کند که تشش افتضاح و ورشکستگی آن از بام افتاده است و حتا آمار و ارقامی که توسط دستگاه‌ها و رسانه‌های مرتبط با حکومت ارائه می‌شوند نیز، بر این دعاوی پرت و بی ربط خط بطلان می‌کشند. لازم نیست وارد جزئیات مسأله شد، در شماره‌های پیشین نشریه کار نیز به طور مبسوط به این مسأله پرداخته شده است. در این جا همینقدر کافیست بگوئیم؛ مطابق اطلاعات و آمار انتشار یافته و مطابق آنچه که در عالم واقعیت و در برابر چشم همگان اتفاق می‌افتد، احمدی نژاد علناً دروغ می‌گوید.

احمدی نژاد از اشتغال پایدار و راه اندازی کارخانه و رشد تولید سخن می‌گوید، اما این در حالی‌ست که همه شاهدند هر روز کارخانه جدیدی تعطیل و کارگران آن به خیابان پرتاب می‌شوند. نماینده ورامین در مجلس، در مورد کاهش روند سرمایه‌گذاری‌ها و توقف و تعطیل واحدهای تولیدی می‌گوید "حدود ۹۰ درصد صنایع نساجی تعطیل است" و در مورد کل صنایع می‌گوید "به طور میانگین حداقل ۵۰ درصد از صنایع کشور تعطیل و یا غیر فعال است" نام برده به عنوان نمونه، به شهرک‌های صنعتی از جمله شهرک صنعتی عباس آباد، علی آباد و چرم شهر در استان تهران اشاره می‌کند و می‌گوید: در این شهرک‌ها کارگاه‌های زیادی وجود داشت که در هر کارگاه ۴۰ یا ۵۰ نفر کار می‌کردند اما امروز اغلب این کارگاه‌ها درشان بسته است و کارگران آن اخراج شده‌اند. در "چرم شهر" ۳۰ کارخانه چرم مشغول به کار بود که اکنون تنها ۸ کارخانه آن هم با ۵۰ درصد فعال هستند!

بدیهی‌ست که این فقط یک مثال و نمونه است وگرنه هر کسی این را می‌داند که در سایر شهرها و شهرک‌های

صنعتی از جمله در شهرک صنعتی اراک، قزوین، تبریز و امثال آن نیز، اوضاع بهتر از این نیست. اساساً بحث بر سر این شهرک صنعتی و آن شهر و این یا آن استان کشور نیست، صنایع و تولید در تمام کشور وضعیت مشابهی دارد. در سال ۸۷ حداقل ۴۰۰ واحد تولیدی کوچک و بزرگ تعطیل شد. در سال گذشته نیز توقف و تعطیل کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی ادامه یافت. هم اکنون ۳۳۵ واحد صنعتی به وضعیتی در آمده‌اند که نمی‌توانند فعالیت خود را ادامه دهند. معاون وزیر کار در جمع کارگران و کارفرمایان کرمانشاه در روز ۱۳ آذر [قوس] و زمانی که به اصطلاح از راه کارهای دولت برای رفع مشکلات تولیدی صحبت می‌کرد گفت: "بیش از ۶۵ درصد واحد های تولیدی مشکل نقدینگی دارند!" روند تعطیل و توقف کارخانه‌ها و بیکارسازی وسیع کارگران بدون توقف ادامه دارد. تنها در نیمه اول سال جاری ۵۰۰ هزار کارگر اخراج شده‌اند. متجاوز از ۵ میلیون نفر بیکارند و هر سال بیش از یک میلیون نفر وارد بازار کار می‌شوند که بخش اعظم آن‌ها به صف بیکاران ملحق می‌شوند. نرخ بیکاری که احمدی نژاد و دولت وی می‌خواست آن را به ۸ درصد و ۷ درصد برساند، هر چند که خود این ارقام هم زیاد است، اما این نیز متحقق نشد و طبق آمارهای رسمی به ۱۵ درصد افزایش یافت. البته نرخ واقعی بیکاری بالای ۲۰ درصد است. این نرخ در مورد جوانان که بیشترین جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند بیش از ۲۴ درصد و در مورد جوانان شهری به حدود ۲۹ درصد می‌رسد. رکود تولید به ویژه در بخش مسکن ادامه دارد، تولیدات و صادرات نفتی و درآمد از این ناحیه نیز کاهش یافته است، بدهی دولت به سیستم بانکی و نقدینگی افزایش یافته و نرخ رشد اقتصادی نیز طی دو سه سال اخیر پیوسته کاهش یافته و مطابق آمار صندوق بین‌المللی پول این نرخ در سال ۸۸ به ۱/۱ درصد تنزل نموده و بنابه ارزیابی برخی از نمایندگان مجلس، این رقم در سال جاری به زیر یک درصد تنزل خواهد نمود!

این است شمائی کلی از وضعیت اقتصادی که احمدی نژاد از آن تعریف می‌کند. احمدی نژاد در همان حال که در مورد وضعیت اقتصادی به کارگران و عموم توده‌های مردم دروغ می‌گوید از "رابطه صمیمی دولت با کارگران" نیز سخن می‌گوید.

حقیقتاً وقاحت کم نظیری لازم است درست زمانی که بدترین بلاها را بر سر کارگران می‌آورند، از صمیمیت دولت نسبت به کارگران سخن به میان آورده شود! ماه‌ها حقوق کارگران را نمی‌پردازد، کارگران و خانواده آن‌ها را در معرض گرسنگی و تباهی قرار می‌دهند و آنوقت از رابطه صمیمی دولت با کارگران هم سخن می‌گویند! ده‌ها هزار کارگر در حال حاضر در سراسر کشور ماه‌هاست و گاه بیش از یک سال است که دستمزد و حقوق نگرفته‌اند. در اصفهان نه در یک یا دو کارخانه، بلکه در تمام واحدهای تولیدی بیش از ۶ ماه است به کارگران دستمزد نداده‌اند (ایلنا - ۱۹ آذر ۸۹). همین کارگران لوله سازی اهواز را در نظر بگیرید که طی دو ماه اخیر چندین بار دست به تجمع و اعتراض زده‌اند که حدود ۲۰ ماه است حقوق نگرفته‌اند. ۲۰۰۰ کارگر این شرکت را اخراج و ۶۰۰ کارگر باقی مانده نیز بلاتکلیف و در معرض اخراج‌اند و تولید در این کارخانه از ابتدای سال جاری متوقف گشته است!

از این‌ها گذشته هر کارگری که حق و حقوق خود را مطالبه و برای آن مبارزه می‌کند، فوراً اخراج و بازداشت می‌شود و دستگاه اطلاعات وی را به زندان و زیر شکنجه می‌فرستد و در همان حال به خشن‌ترین و ضد انسانی‌ترین شیوه‌های سرکوب علیه خانواده آن‌ها متوسل می‌شود و سرانجام هم آنقدر کارگر معترض را در زندان تحت فشار و شکنجه و بلاتکلیفی نگاه می‌دارند که جانش را به خطر می‌اندازد و برای خلاصی از وضعیت تحمیلی، دست به اعتصاب غذای خشک می‌زند.

بسیار خوب، آن از وضعیت قابل تعریف اقتصادی! و این هم صمیمیت دولت در برابر کارگران!

و اما صرف نظر از ادعاهای احمدی نژاد و دروغ‌های رایج وی پیرامون وضعیت اقتصادی و نیز کوشش‌های وی برای وارونه سازی چشم انداز وخیم اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم، نام برده در سخنان اخیر خویش در یکی از شهرهای شمال ایران نیز این‌طور وعده داد که به‌زودی مبلغ یارانه‌های نقدی را به دو برابر افزایش خواهد داد!

پوچ بودن این وعده نیز روشن‌تر از آن است که نیازی به بحث و جدل داشته باشد. بهتر است موضوع را از نزدیک مورد واریسی قرار دهیم.

آن‌طور که گفته شده، مطابق قانون یارانه‌ها، دولت قرار است ۲۰ هزار میلیارد تومان از این طریق درآمد کسب کند که ۵۰ درصد آن یعنی ۱۰ هزار میلیارد تومان آن باید به عنوان یارانه نقدی به مردم برگردانده شود! مطابق آمارهای اعلام شده توسط رژیم ۶۱ میلیون نفر برای دریافت یارانه نقدی ثبت نام کرده‌اند. حال اگر این ده هزار میلیارد تومان را بر عدد ۶۱ میلیون یا برای سر راست شدن ارقام بر عدد ۶۰ میلیون تقسیم کنیم، رقمی حدود ۱۶۷ هزار تومان به دست می‌آید و این کل مبلغ یارانه نقدی است که در هر سال به هر فرد تعلق می‌گیرد و اگر آن را بر عدد ۱۲ تقسیم کنیم، حاصل آن مبلغ ۱۴ هزار تومان می‌شود که این در واقع سهم یارانه هر فرد در ماه بر اساس اختصاص ده هزار میلیارد تومان درآمد دولت از محل اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌هاست! اما می‌دانیم که دولت رقم یارانه ماهانه را حدود ۴۰ هزار تومان تعیین کرده است و بنابر این، مبلغ ۱۶۷ هزار تومان یارانه که به هر فرد در سال تعلق می‌گیرد، با این نحوه تقسیم تنها چهار ماه بیشتر دوام نمی‌آورد! اگر بر پایه همین میزان اختصاص درآمد به یارانه‌ها یعنی همان ده هزار میلیارد تومان بخواهد مبلغ یارانه نقدی را دو برابر کند، در آن صورت تنها دو ماه می‌تواند این مبلغ را به حساب واریز کند!

بنابر این اصل این موضوع که یارانه‌های نقدی کنونی به مدت یک سال به حساب مردم واریز شود قویاً زیر سؤال است! فرض کنیم احمدی نژاد بخواهد مبالغ بیشتری را به این موضوع اختصاص بدهد، چگونه؟ فرضاً از این طریق که از قبیل حذف سوبسیدها و آزاد سازی قیمت‌ها، مبلغ ۴۰ هزار میلیارد تومان در ظرف یکسال از مردم بگیرد، یعنی همان طرح اولیه خود را به اجرا درآورد، در آن صورت هم باز اگر بخواهد طبق ادعاهای تا کنونی یعنی ۵۰ درصد این درآمد را که می‌شود ۲۰ هزار میلیارد تومان به یارانه‌های نقدی اختصاص دهد، مبلغ یارانه نقدی برای هر نفر در سال حدود ۳۳۴ هزار تومان و ماهانه حدود ۲۸ هزار تومان می‌شود! حال اگر یارانه‌های کنونی بخواهد دو برابر شود و به جای ۴۰ هزار تومان در ماه، ۸۰ هزار تومان واریز شود، در آن صورت این مبلغ ۳۳۴ هزار تومان نیز فقط برای ۴ ماه بسنده می‌کند و نه بیشتر!

بنابر این همان‌طور که مشاهده می‌کنیم این حرف احمدی نژاد هم صرفاً یک وعده تو خالی بیشتر نیست و اساساً بر پایه درآمدهای اختصاص یافته از محل قانون هدفمند سازی یارانه‌ها، پرداخت چنین مبالغی غیر ممکن است، مگر آنکه فقط دو سه ماه از یک سال پرداخت شود و یا آنکه منابع درآمد و بودجه دیگری برای آن در نظر گرفته شود که چنین منابع و بودجه ای در کار نیست.

به هر رو تمام صحبت احمدی نژاد در این زمینه نیز، صرفاً یک عوام فریبی است. این صحبت‌ها مانند بسیاری از حرف‌های دیگر وی، اساساً برای فریب مردم و برای آنست که آن‌ها را در حالت انتظار و امیدهای واهی نگاه دارد و از سرریز شدن خشم و نارضایتی مردم جلوگیری نماید!

تمام این واقعیت‌ها نشان می‌دهند که حکومت اسلامی و سران آن به پایان خط رسیده‌اند. آنان علاوه بر اعمال قهر و سرکوب، به هرگونه دروغ و عوام فریبی و قلب واقعیت‌ها دست می‌زنند تا به خیال خود آبی بر آتش خشم و نارضایتی مردم بپاشند و نگذارند این آتش شعله‌ور شود. احمدی نژاد نیز این را خوب می‌داند. او نه فقط یک

جاعل، عوام فریب و یک دروغ باف و بندباز، بلکه یک شارلاتان به تمام معناست. در برابر واقعیت‌های سرسخت زمینی اما اثر این بند بازیها و عوام فریبی ها به سرعت دود می‌شوند و به هوا می‌روند. آنچه واقعی است، رسیدن نارضایتی توده‌ای به مرحله انفجار است! شارلاتانیسم و فریب، کار ساز نیست! انفجار اجتماعی در راه است